

مقدمه سوم: محط بحث

حضرت امام اشاره می کنند که بحث تداخل اسباب و مسببات در جایی مطرح است که ماهیت جزا قابلیت تکرار (و حصول به وسیله مصادیق متعدده) را دارا باشد. و لذا اگر مثل «قتل» باشد، اصلاً بحث تداخل یا عدم تداخل مطرح نمی شود. چرا که «اگرچه جزای محارب قتل است و جزای قتل هم قتل است»، ولی نمی شود کسی را دو بار به قتل رساند.

«محطّ البحث ما إذا كان الجزاء ماهية قابلة للتكثير كماهية الغسل و الوضوء، و أمّا مع عدم

قبول التكثير فلا محيص عن التداخل، كقتل زيد، و مثله خارج عن محلّ النزاع»^۱

حضرت امام سپس به اشکال مرحوم نایینی در اینجا اشاره کرده و از آن جواب می دهند:

«و قد يقال: إنّ الجزاء الغير القابل للتكثير إنّ كان قابلاً للتقييد يكون داخلاً في النزاع، كالخيار

القابل للتقييد بالسبب، كالتقييد بالمجلس و الحيوان و العيب و غيرها، مع أنّه أمر واحد هو ملك

فسخ العقد و إقراره - و معنى تقيده بالسبب هو أنّه يلاحظ الخيار المستند إلى المجلس فيسقطه،

أو يصالح عليه، و يبقى له الخيار المستند إلى الحيوان - و كالقتل لأجل حقوق الناس، فلو قتل

زيداً عمراً و بكراً و خالداً، فقتله قصاصاً و إنّ لم يقبل التعدّد إلّا أنّه قابل للتقييد بالسبب، أي

يلاحظ استحقاق زيد للقتل باعتبار قتله لعمرو، فلو أسقط ورثة عمرو حقّ القود لم يسقط حقّ

ورثة بكر و خالد. انتهى»^۲

توضیح:

۱. اگر جزا قابل تکثر نباشد ولی قابل تقييد باشد، داخل محل نزاع است

۲. مثلاً «خيار» (يعني اختيار به هم زدن بيع)، في حد نفسه قابل تکرار نیست (چرا که یا هست و یا نیست.

و نمی شود چند اختیار با هم باشد) ولی می توانیم بگوئیم «خيار حاصل از مجلس» و «خيار حاصل از

عيب» و ...

۳. معنای «مقيد شدن خيار به سبب» آن است که اگر به هر جهتی «اختیاری که از مجلس حاصل است»

ساقط شد، «اختیاری که از حیوان حاصل است» باقی می ماند.

۴. همچنین است، قتل.

حضرت امام سپس پاسخ می دهند:

۱. همان

۲. همان، ص ۱۹۴



«و فيه ما لا يخفى: فإنَّ الخيار إذا كان واحداً غير قابل للتكثّر مع اجتماع الأسباب عليه، فلا يمكن إسقاطه من قبل أحدها و إبقاؤه من قبل غيره، لأنَّ الإسقاط لا بدّ و أن يتعلّق بالخيار الجائي من قبل كذا، و مع الوحدة لم يكن ذلك غير الجائي من قبل غيره.

و إن كان الخيار متعدّداً بالعنوان - بحيث يكون خيار المجلس شيئاً غير خيار العيب - فيخرج عن محلّ البحث، أى تداخل الأسباب، و إن كان كليّاً قابلاً للتكثّر فيرجع إلى الفرض الأوّل.

و كذا الحال فى القتل، فإنَّ حقّ القود إمّا واحد، فلا يمكن إسقاطه من قبل سبب و إبقاؤه من قبل الآخر، أو متعدّد عنواناً فيخرج عن محطّ البحث، أو كليّاً قابل للتكثّر فيدخل فى الفرض الأوّل.

ثمّ لا يخفى أنّ عدم قبول القتل للتكثّر غير مربوط بعدم قبول حقّ القود له. و القائل خلط بينهما.»^۱

توضیح:

۱. در مثال خيار، می‌گوییم:
۲. اگر «اختیار فسخ عقد»، قابل تعدد و تکرار نیست، در این صورت، وقتی چند سبب با هم موجود شد و باعث پدید آمدن این خيار شد، نمی‌توان گفت «اختیار حاصل از عیب» ساقط است و اختیار حاصل از مجلس باقی است.
۳. چرا که آن خياری که موجود است (که فرضاً واحد است) اگر اسقاط شده است، دیگر نیست و نمی‌توان گفت «خيار حاصل از عيب» ساقط است و «خيار حاصل از مجلس» هست. (یعنی یک شیء است که یا ساقط است و یا باقی است)
۴. و اگر اصلاً ماهیت «خيار حاصل از عيب»، غير از ماهیت «خيار حاصل از مجلس» است معلوم می‌شود که این‌ها دو چیز مختلف هستند و بحث از مصادیق تعدد شرط و وحدت جزا (و تداخل اسباب) نیست، چرا که «جزا»ها در این صورت بالذات متعدد هستند.
۵. و اگر خيار یک عنوان و ماهیت کلی است که دو فرد دارد (خيار حاصل از عيب و خيار حاصل از مجلس)، در این صورت، معلوم می‌شود که جزا قابل تکرار است
۶. و اما در مورد مثال قتل:

۷. اگر حق قصاص واحد است، نمی‌توان گفت که حق قصاص (که یک شیء واحد است) هم ساقط شده است (چون خانواده عمرو ساقط کرده اند) و هم باقی است (چون خانواده دیگران ساقط نکرده اند) و



اگر «قصاص ناشی از قتل عمرو» با «قصاص ناشی از قتل بکر» ماهیة متفاوت است، بحث مربوط به جایی نیست که «جزا واحد باشد» و بحث بالکل از این مبحث متفاوت است. و اگر «قصاص» کلی قابل تکرر است، بحث مربوط به صورتی است که جزا قابل تکرر است (در حالیکه مرحوم نائینی این مثال را برای فرضی آورده بودند که جزا قابل تکرر نباشد)

۸. اصف الی ذلک: «حقّ قصاص» با «قتل» متفاوت اند و آنچه قابل تکرر نیست، قتل است و نه «حق قصاص» که قابل تکرر است.

مقدمه چهارم: امکان تداخل

حضرت امام به عنوان چهارمین مقدمه، بحثی را مطرح می کنند که آیا تداخل اسباب و تداخل مسببات ممکن است؟

در مقابل فرض امکان، سه احتمال مطرح است:

الف) تداخل اسباب محال است.

ب) عدم تداخل اسباب محال است.

ج) تداخل مسببات محال است

